

## رسیدگی ویژه به مرگ مشکوک دانشجویان اهواز

**گروه حوادث/** روابط عمومی وزارت بهداشت از اعلام نتیجه بررسی علت مرگ مرزومز ۴ دانشجو دانشگاه جندی شاپور و چمران اهواز تا پایان هفته خبر داد.

### اخبار

به گزارش خبرنگار «ایران»، اجساد ۴ دانشجوی دختر و پسر دانشگاه‌های اهواز که در کمتر از یک ماه به‌طرز مرزومزی جان باخته‌اند در حالی به پزشکی قانونی منتقل شد که هنوز مسئولان از علت اصلی مرگ آنها خبر نداده‌اند. برخی خبرها از وقوع خودکشی حکایت دارد و برخی از قتل سخن می‌گویند. براساس آخرین گزارش‌ها اجساد دو پسر دانشجو شامگاه ۹ و ۱۲ آذر کشف شد. رضا شاه‌مردی دانشجویی بود که جسدش در خرابیان و کنار خوابگاه پسران در مجتمع خوابگاهی علم‌الهدی پیدا شد. این پسر نوزده‌ساله در رشته کامپیوتر تحصیل می‌کرد و جسد حلق آویز شده او درحالی‌که در حیاط خوابگاه خودش را به درخت حلق آویز کرده بود، پیدا شد. اما جنازه دانشجوی پسر دیگر در ساختمانی نیمه کاره در فاصله یک تا دو کیلومتری از خوابگاه پیدا شد. علت مرگ سقوط از ارتفاع و شگستگی مججمه بوده، اما هنوز مشخص نشده که خودکشی کرده یا قتل انجام شده است. در حالی‌که تحقیقات درباره یافتن علت مرگ این دو پسر ادامه داشت اوایل هفته جاری خبر مرگ یک دختر دانشجوی رشته پزشکی نیز منتشر شد. علت مرگ این دختر جوان در حال بررسی بود که صبح روز بعد یکی دیگر از دانشجویان پسر رشته داروسازی ورودی ۹۵ نیز در کلاس درس بیهوش پیدا شد اما پس از انتقال به بیمارستان جانش را از دست داد.

وقوع این حوادث آن هم تنها در فاصله کمتر از یک ماه مسئولان دانشگاه علوم پزشکی را بر آن داشت تا کمیته بحران تشکیل داده و برای تعیین علت دقیق مرگ این دانشجویان وارد عمل شوند. این در حالی است که پلیس خوزستان و بخصوص اهواز از هرگونه اطلاع‌رسانی درباره این پرونده‌ها خودداری کرده و می‌گوید هیچ گزارشی درباره این مرگ‌ها به پلیس نرسیده است. از سوی دیگر مسئولان دانشگاه می‌گویند تحقیقات میدانی از دانشجویان دانشگاه نشان می‌دهد. احتمال خودکشی آنها بسیار بالا اعلام شده است. بابک محمدیان، مدیر امور دانشجویی دانشگاه چمران به ایلنا گفت: جسد دانشجویان به پزشکی قانونی انتقال یافته و قرار است علت مرگ بزودی اعلام شود.

وی افزود: جسد دانشجوی متولد ۷۰ رشته زیست شناسی این دانشگاه که ساعت ۴ صبح سه‌شنبه ۱۲ آذر در پشت خوابگاه علم‌الهدی به شکل حلق آویز پیدا شد برای کالبد شکافی به پزشکی قانونی منتقل و با انجام آزمایشات لازم جسد به خانواده وی تحویل داده شد. پیش از این نیز در داخل خوابگاه دانشگاه چمران یکی از دانشجویان با بریدن رگ قصد خودکشی داشت که با حضور بموقع مسئولان و رسیدگی‌های لازم این جوان نجات یافت. البته آن‌طور که تحقیقات نشان داد این چندمین مورد اقدام به خودکشی او بوده است.

محمدیان ادامه داد: یکی از مشکلات عمده‌ای که در فضاهای فعلی دانشگاه‌ها و در بین دانشجویان وجود دارد نداشتن اشتیاق، امید به آینده و شور و نشاط است. به طور مثال دانشجوی دکترا به ما می‌گوید بعد از فارغ‌التحصیل شدن هیچ آمیدی برای یافتن شغل ندارم و دانشجویام همین دوران دانشجویی است. این ناامیدی به زندگی و نداشتن شور و نشاط مختص دانشگاه شهید چمران اهواز نیست بلکه بسیاری از جوانان ما امید به زندگی‌شان را از دست داده‌اند و باید تصمیم اساسی در زمینه اشتغال و زمان اوقات فراغت آنها گرفته شود.

#### ■ تاکید بر تأثیر بهداشت بر موضوع سلامت روان دانشجویان و جوانان

کیانوش جهانپور، مدیر روابط عمومی وزارت بهداشت نیز در پی وقوع این حوادث گفته وزارت بهداشت قطعاً پیگیر این موضوع است. چون از ماه‌ها پیش وزیر بهداشت درباره بهداشت روان دانشجویان و جوانان هشدار داده بودند و در این زمینه تاکید ویژه‌ای دارند و دستور شفاهی برای پیگیری این موضوع داده‌اند. ما در حال بررسی این موضوع هستیم شاید بررسی این پرونده‌ها مأموریت وزارت بهداشت نباشد اما از جهت اینکه این دانشجویان، دانشجوی دانشگاه تابع وزارتخانه بهداشت بوده‌اند و این موضوع بر نظام سلامت کشور اثرگذار است، حتماً بررسی خواهد شد و تا پایان هفته اگر اطلاعات محرمانه‌ای درباره این دانشجویان نباشد، قطعاً اطلاع‌رسانی و وجه عمومی آن به اطلاع مردم خواهد رسید.

## درخواست مرد نابینا برای قصاص چشم

**گروه حوادث:** مرد مکانیک که متهم است در پارک خزانه تهران به روی یک پسر جوان اسید ریخته و باعث کوری او شده است صبح دیروز در شعبه هفتم دادگاه کیفری استان تهران محاکمه شد. به گزارش خبرنگار «ایران»، رسیدگی به این پرونده از شهریور سال ۹۵ همزمان با وقوع یک درگیری منجر به اسیدپاشی در پارک خزانه در دستور کار پلیس قرار گرفت. مرد جوان که از ناحیه صورت، دست‌ها و شکم بشدت سوخته بود به بیمارستان منتقل شد. وی پس از درمان اولیه به مأموران گفت: همراه دوستانم میثم در پارک نشسته بودیم که یکی از بچه محل مايمان به نام سعید که از قبل با وی اختلاف داشتم با قمه به طرف ما حمله کرد و روی من اسید ریخت. بدین ترتیب سعید دستگیر شد و پس از صدور کیفرخواست صبح دیروز در شعبه هفتم دادگاه کیفری محاکمه شد.

در آغاز جلسه بهرام - شاکي - با درخواست قصاص - برای منتم گفت: در این حادثه من بیبانی یکی از چشم هایم را از دست داده‌ام و از دادگاه می‌خواهم که متهم را به قصاص چشم محکوم کنند. در ادامه سعید پشت میز محاکمه قرار گرفت و در دفاع از خود گفت: من در یک گازار در خزانه مکانیکی دارم اما بهرام از اوپاش محل بود که برای خواهرم مزاحمت ایجاد می‌کرد یک شب او و دوستانش به

خانه ما حمله کردند و با عریده کشی و شکستن شیشه‌های خانه ما باعث ترس و وحشت در محل شدند. بعد از این اتفاق من از او شکایت کردم و دادگاه‌وی را به حبس و شلاق محکوم کرد. او حتی فیلم و عکس‌های درگیری آن شب را در اینستاگرامش منتشر کرده بود. اما وقتی محکوم شد مرا تهدید کرد که اگر رضایت ندهم تلافی کرده و از من انتقام می‌گیرد با این حال من رضایت ندادم تا اینکه او از زندان آزاد شد و شب حادثه این بهرام و دوستش بودند که به گازار حمله کردند و قمه و شمشیر هم داشتند. اما من اسیدپاشی نکردم و شاید در آن درگیری فرد دیگری اسیدپاشی کرده باشد.

در ادامه محاکمه وکیل متهم نیز به دفاع از او پرداخت و گفت: اگر موکل من روی بهرام اسید می‌ریخت باید دستان خودش هم می‌سوخت اما در این حادثه موکل من خودش از ناحیه کتف و شانه دچار سوختگی شده و این یعنی شخص دیگری از پشت سر سعید اسید را روی صورت و بدن بهرام ریخته است و موکل من بی‌گناه است. ضمن اینکه در این ماجرا خودروی موکل مرا نیز آتش زده‌اند. و از آنجا که بهرام بارها موکل مرا تهدید به انتقام‌جویی کرده بود احتمال می‌رود آتش زدن خودرو نیز کار او یا دوستش بوده باشد. من معتقدم این پرونده فقط یک پاپوش است که برای سعید درست کرده‌اند.

بدین ترتیب در پایان جلسه قضات برای صدور حکم وارد شور شدند.

## تعرض در پارکینگ مرکز تجاری بزرگ غرب تهران

**گروه حوادث/** پسر جوان که متهم است زن متأهلی را در

پارکینگ یکی از مراکز تجاری بزرگ غرب تهران مورد تعرض قرار داده در دادگاه کیفری محاکمه شد.

به گزارش خبرنگار «ایران»، صبح دیروز پسری ۲۱ ساله در شعبه ۱۲ دادگاه کیفری تهران تحت محاکمه قرار گرفت. وی که متهم به تجاوز است درباره این ماجرا گفت: من کارمند یکی از مراکز تجاری غرب تهران هستم. یک روز زن جوانی به آنجا آمد و گفت که می‌خواهد برای کار در یکی از رستوران‌های این

مجموعه با مدیریت صحبت کند. من راهنمایی‌اش کردم اما حدود یک ساعت بعد دوباره او را دیدم در حالی‌که خیلی ناراحت بود و گریه می‌کرد گفت که او را نپذیرفته‌اند بعد هم شروع به درد دل کرد و گفت که خیلی تنهاست و نیاز مالی شدیدی هم دارد. من دلم برایش سوخت و به او گفتم که مشکلاتش را درک می‌کنم بعد هم به او پیشنهاد دوستی دادم چون فکر می‌کردم شرایطمان مثل هم است.

متهم ادامه داد: بعد از مرگ پدرم خانوادها ما از

### اعضای باند فروش رشته های پزشکی دستگیر شدند

# صندلی دانشگاه فقط ۵ میلیون تومان



تاریخ

من مشاور تحصیلی بودم و خانواده‌ها با توجه به اعتمادی که به من و همکاران مشاور من داشتند رقم‌هایی بین ۲۵۰ میلیون تا ۵۰۰ میلیون تومان پرداخت می‌کردند.

#### ■ خانواده‌ها پولدار بودند؟

فردی برای قبولی دوتا از بچه‌هایش در کنکور یک میلیارد و ۸۰۰ میلیون تومان هزینه کرده بود ولی به جایی نرسیده بود. بعد از اینکه نزد من آمد و دید که می‌توانم با ۶۰۰ میلیون تومان دوتا دانش‌آموز او را راهی دانشگاه کنم خیلی هم استقبال کرد. **یعنی بدون کنکور می‌توانستند سر کلاس پزشکی درو یادان بنشینند؟**

بدون کنکور نه. شرط این بود که حتماً درکنکور شرکت کرده باشند و قبولی هم گرفته باشند. حالا چه رتبه‌ای مهم نبود، فقط باید در دانشگاه قبول شده باشند، مجاز به انتخاب رشته باشند.

#### ■ فقط دانشگاه آزاد؟

قرار بود برای پردیس شهید بهشتی سراسری هم این کار را انجام دهند که موفق نشدن.

#### ■ چه مدت است او را می‌شناسی؟

دو سالی که درگیر این کار هستم. او را هم می‌شناسم.

#### ■ با پول‌ها چه کردی؟

فروشن صندلی‌های کنکور قانونی نبود. فروش صندلی‌های کنکور

و در سال‌های قبل موردی برای شکایت نداشتم.

#### گفت‌وگو با متهم

مدرس کلاس‌های کنکور است و در برنامه‌های تلویزیونی نیز دروس را برای کنکور آموزش می‌داد.

#### ■ چگونه این کار را انجام می‌دادید؟

از طریق یک واسطه یا فردی که مؤسسه خیریه داشت آشنا شدم او مدعی بود با یکی از سران دانشگاه آزاد همکاری دارد و می‌تواند با نامه نگاری صندلی‌های دانشگاه آزاد را برای رشته‌های پزشکی، دندانپزشکی و داروسازی برای ما بگیرد.

#### ■ بابت این کار چقدر می‌گرفتید؟

بستگی داشت که دانشجوی چقدر به ما پول بدهد. ما باید در ازای هر دانشجوی ۲۲۰ میلیون تومان به او پرداخت می‌کردیم و مابقی را خودمان برمی‌داشتیم. اگر از دانشجوی ۲۵۰ میلیون تومان دریافت می‌کردم، ۲۲۰ میلیون تومان را به او می‌دادم تا یک صندلی در دانشگاه آزاد به آنها بدهند. از کل رقم‌ها ۳ و نیم میلیارد به مشاوره‌های دیگر داده شده و یک و نیم میلیاردش را خودم برداشتم.

■ **یک و نیم میلیارد تومان برای چه تعداد دانش‌آموز؟**

حدوداً ۲۷ یا ۲۸ دانش‌آموز.

#### ■ دانش‌آموزان را چطور شناسایی می‌کردی؟

## انتقام‌جویی انگیزه

## تیراندازی‌های مرگبار اسلام آباد



تاریخ



تاریخ

و با شمشیر به شیشه‌ها زد و کسانی که در قهوه‌خانه بودند نیز به دفاع از خودشان شیشه قلیان و شیشه دلستر پرتاب کردند. من هم بیرون قهوه‌خانه تیراندازی می‌کردم. ماشین و ماشینهایی که شب قبل البته این‌ها را هم بگیریم که شب قبل از این‌ها ماجرا سیروس به همراه دار و دست‌اش به پاکدشت آمده بود و درگیر شدیم.

■ **اختلاف سیروس و دوستانش با رفیق‌ت چه بود؟**

با رفیقم دشمنی داشتند. سیروس به او حسودی می‌کرد و می‌خواست خودنمایی کند چرا که دوستم آدم محبوبی بود.

■ **از چه زمانی نقشه انتقام‌گیری را کشیدید؟**

یک ساعت قبل از ماجرا بود. من و بهروز و برادرم و شاهین، سوار خودرو شدیم و از پاکدشت راهی مشیریه شدیم تا انتقام بگیریم. ■ **اسلحه از کجا آوردید؟**

برای یکی از اقوامان بود.

#### ■ سابقه داری؟

سابقه دعوا ندارم، یک سابقه مصرف مشروبات الکلی دارم.

#### ■ شغل‌ت چیست؟

قصایم. من اهل دعوا نیستم، به تازگی نامزد کرده‌ام و می‌خواستم زندگی آرامی داشته باشم.

اشتباهی شلیک کردیم ما به افراد بی‌گناه تیراندازی کردیم و یک نفر را هم به قتل رساندیم. ■ **چرا به راننده اسنپ و به پسر ۱۳ ساله شلیک کردید؟**

آن شب مست بودم و چیزی متوجه نمی‌شدم. اما تا آنجایی که یادم می‌آید رانده اسنپ را زدیم

برای اینکه فکر می‌کردیم می‌خواهد راه را بر ما سد کند.

#### ■ ماجرای آن شب را تعریف می‌کنی؟

آن شب مست بودم چیزی که یادم است این بود که ساعت حدود ۷ شب بود که از پاکدشت به طرف تهران آمدمیم. برادرم راننده ماشین بود، خودرو را سر کوچه پارک کردیم و درحالی‌که برادرم داخل ماشین بود من و رفیقیم، همان‌که فراری است از ماشین پیاده شدیم. من اسلحه داشتم و رفیق قمه داشت. رفیقم با شمشیر وارد قهوه‌خانه شد

۴۲ ساله است. در حال حاضر هم با اینکه می‌توانم با وثیقه آزاد شوم اما چون کسی را ندارم که پیگیر کارهایم باشد در زندان مانده‌ام. بعد از اظهارات متهم، زن جوان گفت: من برای کار به آن مرکز تجاری رفته بودم اما این پسر با تهدید جاقو مرا به داخل پارکینگ کشاند و تعرض کرد. من هم شروع به سرو صدا کردم تا اینکه مأموران حراست به کمک آمدند.

پس از پایان این جلسه قضات برای صدور حکم متهم وارد شور شدند.

## قاتلی که دندان مصنوعی‌اش را در محل جا گذاشت

**گروه حوادث/** مرد میانسال که در بلندترین شب سال دوست صمیمی‌اش را با ضربات متعدد جاقو به قتل رسانده بود، صبح دیروز در شعبه یک دادگاه کیفری استان البرز محاکمه شد.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، رسیدگی به این پرونده چند روز پس از یلدای سال ۹۶ و همزمان با کشف جسد مردی به‌نام ناصر در خانه‌اش، آغاز شد. مأموران دایره قتل پس از بررسی‌های اولیه دریافتند که مقتول دو سال پیش از همسرش جدا شده و به تنهایی زندگی می‌کرده است. کارآگاهان در بررسی صحنه جرم یک دست دندان مصنوعی پیدا کردند و همین سرنخ آنها را به محسن دوست صمیمی مقتول رساند و موجب بازداشت او شد. مظنون پرونده پس از بازجویی اولیه به قتل اعتراف کرد و درباره جزئیات شب حادثه گفت: شب یلدا با ناصر به محلی رفتیم و مواد مخدر زیادی مصرف کردیم. پس از آن به خانه ناصر رفتیم. چند ساعتی باهم بودیم و پس از خوردن شام خوابیدیم. حدود ساعت چهار صبح بود که از خواب پریدم و بدون اینکه بدانم چه کاری قرار است انجام دهم به آشپزخانه رفتم و جاقویی برداشتم و به سراغ ناصر رفتم. در همین هنگام او به یکباره از خواب پرید و من هم ناخودآگاه جاقو را به سینه او زدم و بعد هم کیسه پلاستیکی



تاریخ

روی سرش کشیدم و خفه‌اش کردم. دو ساعت بالای سرش قدم زدم و بعد هم با پای برهنه از خانه خارج شدم و به سرکارم رفتم. ۲ - ۳ ساعت بعد تازه فهمیدم که دندان مصنوعی‌ام را در منزل ناصر جا گذاشته‌ام. پس از اعتراف‌های صریح متهم پرونده او صبح دیروز برای دومین بار در شعبه یک دادگاه کیفری استان البرز محاکمه شد. در ابتدای جلسه دادگاه فرزندان مقتول و مادرش در جایگاه ایستادند و عنوان کردند که مادر جلسه قبلی خواهان دیه بودیم اما حالا که متوجه شده‌ایم متهم توانایی پرداخت دیه را ندارد خواستار قصاص‌اش هستیم. در ادامه همسر سابق مقتول هم در جایگاه قرار گرفت و مدعی‌اش: با مادر شوهرم رابطه خوبی دارم حتی بعد از جدایی از همسر با او زندگی می‌کنم. شوهر سابقم از وقتی غرق اعتیاد شد دیگر نتوانست زندگی را اداره کند و منم به خاطر اعتیادش من و فرزندانم را از آرامی داد و در نهایت هم از سوی دوستان نابایب به قتل رسید. در ادامه جلسه دادگاه متهم در دفاع از خود گفت: من هیچ انگیزه‌ای برای کشتن ناصر نداشتم به خاطر مصرف مواد مخدر حالت منم پرورده او صبح دیروز برای دومین بار در شعبه یک آن شب چه کاری انجام می‌دهم. من حیاتی که مرتکب شده‌ام را قبول دارم اما توانایی مالی برای پرداخت دیه ندارم و خودم را مستحق مرگ می‌دانم. در پایان جلسه دادگاه قضات برای صدور حکم وارد شور شدند.